

به مناسبت بیستمین سالگرد درگذشت

کارنامه سیاسی دکتر یدالله سبحانی

امیر(بهروز) طیرانی

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا ۖ هَلْ يَسْتَوُونَ ۚ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

خدا مثلی زده است: برده زر خریدی که بر هیچ کاری قدرت ندارد، و کسی که ما از سوی خود رزق نیکویی به او داده ایم، و او در پنهان و آشکار از آن انفاق می کند، آیا این دو نفر یکسانند؟

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ ۖ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و خدا مثلی زده است: دو مرد را که یکی از آنان لال مادرزاد است و بر هیچ کاری قدرت ندارد و سربار سرپرست خویش است؛ او را هر کجا روانه می کند، منفعت و سودی نمی آورد، آیا چنین لال بی قدرت و بی سودی با کسی که به عدالت و انصاف فرمان می دهد و بر راهی راست قرار دارد، یکسان و مساوی است؟ (سوره نحل -75 و 76)

دکتر یدالله سبحانی (متولد 1284ش) فعالیت در عرصه سیاست را از نیمه دوم عمر خود آغاز کرد. او که در خانواده ای مذهبی در تهران چشم به جهان گشود بعد از پایان تحصیلات در فرانسه و بازگشت به کشور به تدریس در دوره های مختلف مشغول شد.

در همین دوران است که سبحانی با مهدی بازرگان که او نیز بعد از فراغت از تحصیل به ایران بازگشته بود آشنا شد. این آشنایی با توجه تعلقات فکری و باورهای مذهبی و اشتراک مواضع در قبال مسائل جامعه تا پایان عمر آن دو ادامه یافت.

بعد از شهریور 1320 در فضای ملت‌ه‌ب و هیجان‌زده بعد از سقوط رضاشاه، بخش مهمی از روشنفکران و تحصیلکردگان را به فعالیت در عرصه سیاسی کشیده شدند اما سبحانی و بازرگان تا پایان این دوره از ورود به سیاست خودداری کردند و فعالیت در عرصه فکری و آموزشی را بر حضور در سیاست ترجیح دادند.

اما با وقوع کودتای 28 مرداد ناگهان سبحانی و بازرگان تغییر جهت دادند و ضمن ادامه فعالیت‌های پیشین و حضور در عرصه های اجتماعی و فرهنگی و فکری، به همکاری با نهضت مقاومت ملی و رهبر آن آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی پرداختند.

در همین ارتباط و همکاری، بعد از امضای قرارداد کنسرسیوم نفت که نقض آشکار قانون ملی شدن صنعت نفت محسوب می‌شد دکتر سبحانی به همراه بازرگان و ده استاد دیگر دانشگاه اقدام به تهیه و انتشار اعلامیه‌ای در اعتراض به قرارداد کردند که در فضای آن روز ایران سروصدای زیادی ایجاد کرد و منجر به اخراج امضا کنندگان و از جمله دکتر یدالله سبحانی از دانشگاه شد.

سحابی بعد از اخراج از دانشگاه ، فعالیت های اجتماعی و فرهنگی خود را در خارج از بخش دولتی با تاسیس دبیرستان کمال و هنرستان کارآموز پی گرفت .

از سوی دیگر در تابستان 1339 با باز شدن نسبی فضا و امکان فعالیت و حضور نیروهای سیاسی، دکتر سحابی از جمله شخصیت های بود که به دعوت دکتر صدیقی در تشکیل جبهه ملی دوم شرکت کرد و تا پایان عمر آن به همکاری با آن ادامه داد.

در همین دوره و ضمن همکاری با جبهه ملی دوم ، سحابی و بازرگان بعد از بحث های فراوان به این نتیجه رسیدند که برای عمق بخشیدن به مبارزه علیه استبداد و استعمار در ایران نیاز به تشکیل جمعیتی سیاسی بر مبنای ایدئولوژی اسلامی وجود دارد . این جمع بندی موجب شد تا آنها با طرح دیدگاه خود با آیت الله سید محمود طالقانی که از دهه 1320 سابقه همکاری و قرابت فکری با وی داشتند در 26 اردیبهشت 1340 رسماً تاسیس نهضت آزادی ایران را اعلام کنند . از این زمان به بعد تا زمان مرگ تمامی فعالیت های سیاسی دکتر سحابی در چهارچوب تشکیلاتی نهضت صورت گرفت.

بهرغم ادعای رژیم شاه مبنی بر آزادی فعالیت احزاب و گروه های سیاسی ، سه روز پیش از برگزاری مراسم سالگرد شهدای قیام 30 تیر در سال 1340، عده ای از نیروهای سیاسی از سوی ماموران رژیم بازداشت و زندانی شدند که دکتر سحابی نیز از جمله آنها بود . این بازداشت چندان به طول نینجامید و بازداشت شدگان و از جمله دکتر سحابی به تدریج آزاد شدند.

دکتر سحابی بعد از آزادی از زندان ضمن فعالیت در نهضت آزادی ایران ، به همکاری خود با جبهه ملی ایران نیز ادامه داد و به همین جهت در نخستین کنگره جبهه ملی ایران در دی 1341 به عنوان یکی از اعضای شورای مرکزی جبهه ملی در کنگره حضور داشت .

بعد از پایان کنگره جبهه ملی و در جریان همه پرسی ششم بهمن ، نهضت آزادی با انتشار اعلامیه "ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ" این اقدام رژیم را خلاف قانون اساسی و به دستور آمریکایی ها ارزیابی کرد . انتشار اعلامیه با واکنش شدید رژیم مواجه شد و در نتیجه بازرگان ، سحابی و چند تن دیگر از سران و فعالان نهضت آزادی به جمع کثیر بازداشت شدگان آن روزها که اعضای جبهه ملی و دانشجویان بودند ملحق شدند . این بازداشت تا بعد از خرداد 1342 ادامه یافت . در تابستان در حالی که بازداشت شدگان به تدریج آزاد می شدند کشف یک اعلامیه دست نویس که از سوی عزت الله سحابی و محمد حنیف نژاد در زندان قصر نوشته و برای اظهار نظر زندانیان قزل قلعه به دکتر سحابی سپرده شده بود ، هنگام نقل و انتقال از زندان قصر به قزل قلعه توسط ماموران کشف شد . این اعلامیه که لحن تند و در محکومیت اقدام رژیم در سرکوب خونین 15 خرداد داشت بهرغم عدم انتشار بهانه ای برای برخورد شدید با نهضت آزادی شد و در نتیجه بازرگان و طالقانی به ده سال زندان و دیگر اعضای نهضت هم به حبس هایی از یک تا شش سال محکوم شدند . دکتر سحابی در دادگاه بدوی به شش سال زندان محکوم شد . این حکم در دادگاه تجدید نظر به چهار سال تقلیل یافت .

دکتر سحابی مدت محکومیت خود را در زندان‌های قزل‌قلعه و قصر گذراند . در این میان شش ماه نیز به همراه فرزندش عزت الله سحابی، مهندس بازرگان و... به زندان برازجان تبعید شد .

دکتر سحابی در 7 اسفند 1345 پس از تحمل چهار سال حبس آزاد شد . یک هفته بعد از آزادی با شنیدن خبر درگذشت دکتر محمد مصدق راهی قلعه احمدآباد شد و در آنجا در کنار جوی آبی پیکر مصدق را غسل داد و کفن کرد و به همراه دیگران به خاک سپرد.

سحابی بعد از آزادی در کنار فعالیت‌های اجتماعی و آموزشی از جمله حامیان فعالیت علیه رژیم به شمار می‌رفت . عمده فعالیت‌های وی در این دوره رسیدگی به امور زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنها بود . برخی روحانیون که در اوایل سال‌های رژیم در تبعید بوده‌اند از مراجعه دکتر سحابی به همراهی چمدان پول برای رفع نیازهای آنها خبر داده‌اند.

در سال 1356 دکتر سحابی به همراه مهندس بازرگان و جمعی از نیروهای سیاسی ملی و مذهبی اقدام به تأسیس جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر کرد . این جمعیت در دوران فعالیت 14 ماهه خود منشا اثر زیادی در کمک به زندانیان سیاسی و کاستن از فشار استبداد بر جامعه بود . در همین دوران دکتر سحابی از جمله شخصیت‌های سیاسی بود که در تمامی اقدامات علیه رژیم حضور داشت . ایشان علاوه بر همراهی با دیگر نیروها در حرکت‌های جمعی ، با نگارش نامه به مقامات کشور به صورت فردی نیز فعالیت‌هایی داشت . از جمله این نامه‌ها می‌توان به نامه اعتراضی ایشان خطاب به دادرسی ارتش در 30 تیر 1356 نسبت به حکم آیت‌الله طالقانی بود . از جمله نامه‌های گروهی نیز که دکتر سحابی از جمله امضا کنندگان آن بود باید به اطلاعیه درگذشت دکتر شریعتی و حجت الاسلام مصطفی خمینی اشاره کرد که در زمان خود تأثیر زیادی بر فضای سیاسی کشور برجا گذاشت.

روز چهاردهم مهر 1356 سحابی به همراه عده‌ای از همفکران خود نظیر مهندس بازرگان و داریوش فروهر و... در صحن حضرت عبدالعظیم تحسن کردند . این اقدام در پشتیبانی از تحسن دانشجویان ایرانی در کلیسای سنت مری پاریس صورت گرفت . متحصنین کلیسای سنت مری خواستار آزادی عده‌ای از زندانیان سیاسی از جمله آیات طالقانی و منتظری ، مهندس عزت‌الله سحابی و لطف‌الله میثمی شده بودند .

در جریان اعتصابات سال 1357 دکتر سحابی از سوی رهبر انقلاب به عنوان نماینده ایشان در کمیته تنظیم اعتصابات منصوب شد . ایشان همچنین از سوی رهبر انقلاب به عضویت شورای انقلاب اسلامی برگزیده شد.

در هیات دولت موقت انقلاب ، دکتر سحابی به عنوان وزیر مشاور در امور طرح‌های انقلاب انتخاب شد . از جمله وظایف و اقدامات دکتر سحابی در این دوره نهایی کردن پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی بود .

بعد از استعفای دولت موقت ، دکتر سحابی همچون مهندس بازرگان باردیگر به عضویت در شورای انقلاب منصوب و تا پایان کار آن شورا در آنجا فعالیت داشت.

دکتر سحابی در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی از تهران به نمایندگی انتخاب شد . با شروع به کار مجلس شورا ، دکتر سحابی به عنوان رییس سنی مجلس انتخاب شد .

سحابی همچون سایر همفکران خود بعد از پایان دوران نمایندگی به فعالیت در عرصه عمومی بازگشت . در این عرصه علاوه بر فعالیت‌های علمی و فرهنگی ، او و همفکرانش همچون بازرگان و علی اردلان و شاه حسینی و ... اقدام به تاسیس جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت اقدام کردند. این جمعیت تا سال 1369 به رغم فشارهای موجود به فعالیت خود ادامه داد . در سال 1369 بعد از انتشار نامه‌ای در نقد سیاست‌های اقتصادی دولت هاشمی رفسنجانی ، با دستگیری 23 نفر از امضا کنندگان آن نامه عملاً به حیات آن جمعیت خاتمه داده شد .

دکتر سحابی در سال 1374 باردیگر با دعوت از تعدادی از همفکران خود پایه‌گذار تشکل دیگری به نام " تلاشگران آزادی انتخابات " شد. این تشکل بعد از انتشار چند بیانیه غیرقانونی اعلام شد و از ادامه فعالیت آن جلوگیری به عمل آمد .

سحابی بعد از درگذشت مهندس بازرگان پیشنهاد شورای مرکزی نهضت‌آزادی برای پذیرش دبیرکلی را نپذیرفت و دکتر ابراهیم یزدی رابه عنوان دبیرکل پیشنهاد کرد.

وی در سال‌های پایانی عمر بهرغم کهولت و بیماری همچنان استوار بر پیمانی که با خدای خود بسته بود ایستاد و از امر به معروف و نهی از منکر دست نشست . از جمله این اقدامات می‌توان به امضای بیانیه-های فردی و دسته‌جمعی از جمله در اعتراض به قتل مرحوم برازنده در مشهد، اطلاعیه اعتراضی درباره قتل‌های زنجیره‌ای ، بیانیه اعتراضی درباره حمله به کوی دانشگاه ، نامه مبسوط به رهبر انقلاب در سال 1378 و نیز نامه به رییس‌جمهور درباره وضعیت مهندس سحابی و اعتراض به رییس قوه قضاییه درباره دادگاه اعضای بازداشت شده نهضت‌آزادی در سال 1380 اشاره کرد .

او سرانجام در 23 فروردین 1381 در تهران درگذشت .